

عنوان مقاله:

بررسی تطبیقی مفاهیم مرتبط با زندگی و مرگ در صحیفه سجادیه و مثنوی مولانا از منظر شناختی

محل انتشار:

دوفصلنامه عرفان پژوهی در ادبیات، دوره 1، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

سمیه تصدیقی - دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

نظریه استعاره های شناختی یا مفهومی اولین بار توسط لیکاف و جانسون مطرح شد. طبق نظر ایشان، استعاره دیگر تنها عنصری بلاغی و مختص زبان شعر نبود، بلکه ایشان معتقد بودند که زیربنای تفکر انسان، استعاری است. ابتدا استعاره های شناختی در زبان روزمره بررسی شد، اما با توجه به انتزاعی بودن عرفان، آرام آرام جای خود را در مطالعات عرفانی باز کرد. صحیفه سجادیه کتاب ارزشمند امام چهارم شیعیان از جمله کتب دعایی محسوب می شود که امام در قالب دعا، بسیاری از مفاهیم عرفانی را بیان کرده اند. همچنین، مثنوی مهم ترین کتاب منظوم عرفانی ادبیات فارسی، جایگاه ویژه ای در ادبیات عرفانی این مرز و بوم دارد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به دنبال بررسی تعالیم دینی و عرفانی درباره مفاهیم مرتبط با زندگی و مرگ از دیدگاه شناختی در این دو اثر است. نتایج تحقیق نشان می دهد که زندگی و مرگ چیزی جدای از انسان و موجودیت او نیستند. نوع حرکت و سیورورت انسان در مسیر زندگی و نوع انتخابش در مواجهه با موانع مسیر عبودیت و عاشقی، او را هم سنخ دو مقصد متفاوت خواهد کرد و در نهایت هنگام مرگ انسان با موجودی که خود ساخته مواجه خواهد شد.

کلمات کلیدی:

صحیفه سجادیه، مثنوی، استعاره شناختی، زندگی، مرگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1417294>

